

✕ از جزایر فالکلند تا خلیج فارس

حافظ اسد، اخیراً پنج هزار تا ده هزار بنیادگرای شورشی را در حماه قتل عام کرده است، تمام فدای ایران حمایت می کند. سوریه هم مثل عراق به تسلیحات روسی متکی است. اسرائیل پنهانی به ایران کمک می کند. اردن، مصر و -به صورت محدودتر- کشورهای خلیج [فارس] و عربستان سعودی به عراق کمک می کنند تا مانع فروپاشی عراق و سیطره [آیت الله] خمینی انتقام جو [بر منطقه] شوند. اتحاد جماهیر شوروی به هر دو طرف کمک کرده، گرچه به نظر می رسد به [جانب داری از] ایران تمایل بیشتری دارد. مقام های دفاعی اروپا می گویند واشنگتن هم چنین رویه ای در پیش گرفته اما واشنگتن انکارش می کند.»



① جنگ فالکلند، بهار ۱۳۶۱. نیروهای انگلیسی در تصویر دیده می شوند. مقامات آمریکایی به دلیل حمایت از بریتانیا با انتقادهایی روبه رو بودند؛ چالشی در کنار چالش جنگ ایران و عراق برای آمریکا.

فروردین ۱۳۶۱ که ایران روی دور پیروزی افتاده بود آن سوی دنیا جنگی کوتاه مدت در جزایر فالکلند، که مورد اختلاف انگلیس و آرژانتین بود، درگرفت. آمریکا با هر دو سوی جنگ روابطی تا حدی دوستانه داشت. از سویی «واشنگتن درگیر فراهم کردن مقدمات آموزش و تجهیز نیروهای آرژانتینی برای مقابله با چریک های آمریکای مرکزی و قسمت هایی از آمریکای جنوبی بود.» از سویی دیگر سخت بود که آمریکا در این درگیری علیه بریتانیا موضع بگیرد و از بریتانیا حمایت کرد. برخی معتقد بودند این موضع گیری آمریکا آن ها را با مشکلاتی در آمریکای لاتین روبه رو خواهد کرد و از همین رو از سیاست ایالات متحده انتقاد می کردند. روزنامه The Charlotte Observer، ۹ خرداد، چند روز پس از آزادی خرمشهر، مقاله ای با این عنوان را به نقل از نیویورک تایمز منتشر کرد: «جزایر فالکلند و جنگ ایران و عراق ائتلاف های منطقه ای را متزلزل می کنند.» در بخشی از این مقاله می خوانیم: «ایالات متحده آشکارا از بریتانیا حمایت کرد. پیام های این تصمیم برای روابط ایالات متحده با آمریکای لاتین و جهان سوم، که آرژانتین زمانی تحقیرشان می کرد، تا پس از فرو نشستن آتش منازعه روشن نخواهند شد. در روندی مشابه، جنگ ایران و عراق هم الگوهای روابط منطقه ای را دگرگون کرده و واشنگتن و مسکو را به انتخاب هایی پر مخاطره واداشته است.

حمله ای عراق، به جای تحقق هدف سرنگونی آیت الله روح الله خمینی، فقط حکومت انقلابی و سرکش ایران را تحکیم کرده است. «زمنندگان مقدس» ایران حالا مهاجمان عراقی را تقریباً تا خاک خودشان عقب رانده اند... خط کشی های جدید خاورمیانه از خط کشی های جدید آمریکای لاتین هم آشکارا تناقض آمیزترند. سوریه ی سوسیالیست که رهبرش

51. The West—and the United States in particular—has little leverage to affect the course of events in Iran or to advance Western regional interests with Tehran. Indeed, the clerical regime will be unwilling to resume normal relations with the United States for the foreseeable future. Even though Iran is willing to deal with some Western nations, it will continue to oppose the West and particularly the United States.

52. Because of its antagonism toward the United

در بند هشتادویکم تأکید شده که غرب و به ویژه ایالات متحده «توان محدودی برای تأثیرگذاری بر مسیر رویدادها در ایران یا پیشبرد منافع منطقه ای غرب در تهران دارد. در واقع، رژیم روحانیون در آینده ی قابل پیش بینی تمایلی به ازسرگیری روابط عادی با ایالات متحده نخواهد داشت. حتی اگر ایران بخواهد روابطی با بعضی کشورهای غربی داشته باشد، همچنان به مخالفت با غرب و مخصوصاً ایالات متحده ادامه خواهد داد.»

✕ منابع قدرت ایران

هشتادودوم؛ «به سبب دشمنی ایران با ایالات متحده، مواضع تهران در عرصه ی سیاست خارجی عموماً با مواضع اعضای تندروتر جنبش عدم تعهد همسو است. ایران در خاورمیانه تلاش کرده کنار جبهه ی ضدمصلحهی عرب، متشکل از لیبی، الجزایر، سوریه، یمن جنوبی و ساف بایستند. در دیگر نقاط جهان سوم، تلاش ایران برای توسعه ی روابط اقتصادی اش بر کشورهای نزدیکش مثل پاکستان، ترکیه و هند متمرکز بوده که همه ی آنها جمعیت های قابل توجه مسلمانی دارند که تا حدودی پذیرای گسترش روابط با ایران هستند.»

هشتاد و سوم؛ در این بند دوباره به موانع ایران برای گسترش قدرتش اشاره شده است: «همان طور که پیش تر ذکر شد، اختلاف های مهمی میان ایران و مصالحه ستیزان عرب و همچنین شوروی وجود دارد که خطر ایجاد محور تندرو، ترس بزرگ میانه روی های عرب، را کاهش می دهند. تلاش ایران برای صدور نسخه ی خودش از بنیادگرایی اسلامی با توسل به زور یا سد جنبش احتمالاً قدرتمندتر ملی گرایی عربی مواجه خواهد شد. گرچه ظهور رهبری کاریز ماتیک و پان اسلامی در منطقه ممکن است گریزناپذیر به نظر برسد، [آیت الله] خمینی -با وجود محبوبیتش در بسیاری از کشورها- برای رهبری یک انقلاب منطقه ای اثر بخش علیه ساختارهای سنی و نفوذ غرب، بیش از حد شیعه، بیش از حد ایرانی ... است.»

آخرین بند این گزارش یک توصیه ی جالب است: «اگر کشورهای منطقه و غرب درباری توافق های امنیتی شان و پاسخ شان به موفقیت های ایران در جنگ با عراق هباهو به راه نیندازند، روحانیون ایران کم کم وهم تهدید خارجی را که برای حفظ قدرت شان ضروری است از دست خواهند داد. به مرور زمان، ممکن است فشارهای اقتصادی و سیاسی در ایران زمینه ساز



✕ منابع

- 1982, April 6; **Arizona Daily Star**
- 1982, April 8; **The Tribune**
- 1982, April 4; **San Francisco Examiner**
- 1982, May 24; **The Miami Herald**
- 1982, April 9; **The Miami Herald**
- 1982, May 30; **The Charlotte Observer**
- 1982, June 8; CIA Records, **Special National Estimate, Implications of Iran's Victory Over Iraq**
- 1980, September 26; CIA Records, **The Implication of an Iraqi Victory**
- 1980, October; CIA Records, **Implications of an Iranian Victory**
- 1980, October 20; CIA Records, **Special National Estimate, Implications of Various Outcomes of the Iran-Iraq War**
- 1980, October 3; NSA Archive, **Memorandum for President from Zbigniew Brzezinski**

① لبنان، ۱۹۸۴، دفتر حزب الله لبنان در منطقه ی ضاحیه ی بیروت. یکی از موضوعات مورد توجه آمریکایی ها تلاش ایران برای صدور انقلاب بود. تشکیل حزب الله لبنان که به تدریج به نهادی قدرتمند در لبنان تبدیل شد از مهم ترین دستاوردهای ایران در صدور انقلاب پس از فتح خرمشهر بود.

دوره ای از [تغییر و تحول] ترمیدوری شوند که فرصت های جذاب تری برای نفوذ در سیاست ایران نصیب ایالات متحده کند. با این حال، این آمیدی بلندمدت است و در حال حاضر منافع ایالات متحده در خلیج فارس همچنان آماج حمله خواهند بود.»